



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه دوازدهم، سلسله جلسات طلبه تراز انقلاب اسلامی، استاد عابدینی

ادراک نیاز نامتناهی مستلزم سرعت نامتناهی

بحث در جلسات گذشته حول محوری بود که میخواستیم طلبه ای باشیم که حرکتمان را به سوی خدا بشناسیم که چطوری جلو برویم، چطوری از ریزش خودمان جلوگیری بکنیم، انگیزه مان قوی باشد، خودمان را در حال سربازی ببینیم، حال سربازی داشته باشیم. به مناسبت بحث رسیدیم به بحث نیاز. در جلسه گذشته این بحث مطرح شد که شیطان لعین برای اینکه این قدرت عظیم وجود انسانی به عنوان نیاز را تحت تاثیر قرار بدهد، این هم از همین توانایی استفاده کرد، نیامد از چیز دیگری استفاده نکند. بحث نیاز یک بحث بسیار گسترده ای است که سراسر وجود انسان را فرا گرفته است و تمام حرکت انسان دایره مدار نیاز است. هر چقدر نیاز را ادراک نکند، طبق آن حرکت میکند. حتی آن مجاهدی که در مقام جهاد پا میگذارد، شهادت طلبی که به عرصه شهادت پا میگذارد، همه دایره مدار نیاز است. سردار شهید ما را اگر میبینید که طالب شهادت بود، خودش را محتاج شهادت میدید، میفهمید که این چه نیازی از وجودش را برطرف میکند و لذا تشنه آن بود. عطش وجودی اش خاموش نمیشد مگر با رسیدن به آن. هر حرکتی در عالم وجود صورت میگیرد با ادراک نیاز است. هر چقدر ادراک نیاز شدیدتر بشود، سرعت حرکت شدیدتر میشود. همانطور که انسان امکان رسیدن به نامتناهی را دارد و امکان سرعت نامتناهی را دارد، هم سرعت نامتناهی، هم رسیدن به نامتناهی، اگر امکان رسیدن به نامتناهی باشد، سرعت باید نامحدود باشد. اگر سرعت محدود باشد به هدف نامتناهی نمیرسد. انسان مثلاً عمرش ۹۰ سال است. در هر سرعتی ضرب بکنید باز محدود است. اگر امکان دارد به آن حقایق نامتناهی برسد که **عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا**^۱ است، مقام خلافت الهی است، سرعت نامتناهی میخواهد. سرعت نامتناهی چطور ایجاد میشود؟ ادراک نیاز نامتناهی. اگر ادراک نیاز به سمت نامتناهی برود، سرعت به سمت نامتناهی میرود، وصول به سمت نامتناهی میرود. این یک بحثی بود که مفصل در چند جلسه راجع بهش گفتگو کردیم، هر چند بایی است که باید در مصادیق مختلف مسئله اش را پی جویی کرد. از درس خواندن گرفته تا نظام تزکیه، تا نظام سلوک الی الله، در تمام اینها ادراک نیاز جای پای خودش را دارد. موطن اصلی خودش را دارد که حرکت از این آغاز میشود، با این ادامه پیدا میکند، وصول هم با نیاز محقق میشود. هیچگاه هم انسان از نیاز فارغ نمیشود. همانطور که انسان وصال بعد وصال دارد، کمال بعد کمال دارد، هر کمالی را پیدا میکند، چون خدای سبحان حقیقتی است فوق ما لایتناهی بما لایتناهی، پس انسان هیچ گاه نمیرسد به جایی که نیازش کمتر بشود. اگر جایی دیدید احساس نیاز مان کمتر است، شب که می خواهیم سرمان را بگذاریم زمین راحت تر شدیم، معلوم میشود یک جای کار لنگ است. هر شبی که انسان میخواهد سر به زمین بگذارد، باید احساس کند که امشب از دیشب تشنه تر است. هر چند دوباره است سراسر روز را، اما شب که میخواهد سر را بگذارد زمین، باید ببیند که امشب از دیشب محتاج تر و مشتاق تر و دیوانه تر است. انگیزه اش بیشتر است. معلوم میشود حرکت امروزش درست بوده است. اما اگر دید بی حال تر و بی انگیزه تر است، نشان میدهد امروزش از دیروزش بدتر بوده است. این یک آمپر است. هر شب حسابی بکنید. امشب تشنه تر هستید، یا نه، صبح حال بلند شدن ندارید. اگر دیدید صبح حال بلند شدن ندارید، معلوم میشود گم شده ندارید. یک وقت بدن از پا می افتد، آدم نمیتواند بلند بشود، آن بحث دیگری است. اما یک وقتی روح و نفس و جان انسان جان ندارد. معلوم میشود نیاز ندارد. درجا زده و عقب گرد کرده است. سیر است. انسانیتش تحلیل رفته است. با این انسان میتواند هر روز خودش را بسنجد که ببیند در کجای کار است و چند مرده علاج است.

^۱ البقرة : ۳۱ و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

رابطه رشد قدرت و جودی و آنی تر شدن تصمیم های انسان

این بحث را داشتیم تا رسیدیم به این بحث که همراه این مسئله شیطان دست میزند به اینکه انسان را از همین راه گول بزند. یکی از کارهای این بود که نیاز های غیر ضروری را ضروری نشان بدهد. چون ما نیاز های ضروری داریم و نیازهای غیر ضروری. وقتی تعارض پیدا میشود، باید نیازهای ضروری را بر غیر ضروری ترجیح بدهیم. کار شیطان این است که نیازهای غیر ضروری را ضروری نشان بدهد. وظیفه شناسی و در وقت تصمیم گرفتن، به وقت بودن، از مسائلی است که انسان را در یک لحظه یا ساقط میکند یا نجات میدهد. گاهی تصمیم در یک لحظه است. همانطور که کلید آن موشک را زدن در یک ثانیه محقق میشود، گاهی نجات است و گاهی هلاک، در تصمیم گیری های زندگی انسان، سر دوراهی ها، اینطور نیست که میخواهی ماشین بخری، فکر بکنی، نه، گاهی بزنگاه است، وسط خیابان است، باید تصمیم بگیری بایستی تا بروی. هر چقدر انسان قدرت و جودی اش قوی تر بشود، و رشد و جودی اش شدیدتر بشود، تصمیم گیری ها، تصمیم ها به آن تر میشود. آنی تر میشود. یعنی ابتلا و امتحان کمالی انسان در این است که تصمیماتش در چی محقق بشود؟ کسی که خیلی خبری نیست، تصمیم بگیرد یا نگیرد خبری نمیشود. هر چقدر انسان می آید در مقام رشد... مثل قله نوردی است که نزدیک قله شده، جای پایش را یک لحظه غلط بگذارد سقوط است. نمیشود جبران کرد. کسی که در مقام سیر و سلوک الی الله به عنوان سرباز امام زمان دارد حرکت میکند، اگر مسیر را درست رفته باشد، تصمیم گیریهایش کم کم در آن میشود. اگر دیر بجنبد و تصمیم نگیرد از دست رفته است. اگر هم تصمیم بد بگیرد از دست رفته است. کار شیطان این است که در وقت تصمیم که آن است، انسان را متحیر بکند که غیر ضروری را نسبت به ضروری، تصمیم بگیرد. یا اگر زورش رسید و توانست و قدرت بیشتری پیدا کرد، اصلاً تصمیم نگیرد. یا اگر توانست تصمیم غلط بگیرد، مقابل آنچه مطلوب این است. این ها مراتبی است که شیطان دنبال این است. آیات و روایات دارد در مسئله که ما الان دنبال این نبودیم.

شدت تحقق وقایع در یک زمان، بستگی به ظرف انسان در آن زمان دارد

اما امشب دنبال این بحث یک بحث... چون ما جلساتمان هم جلسات معرفتی است هم جلسات اخلاقی است هم جلسات بصیرتی است، امشب بحث را یک خورده بصیرتی تر میکنیم. نکته ای که خیلی زیباست که میفرماید خدای سبحان هر چقدر انسان به سمت آخر الزمان نزدیک میشود، یکی از آثارش این است که وقایع بیشتری در زمان کمتری محقق میشود. یعنی سرعت وقایع در تحقق خیلی زیاد میشود. تعبیر روایت این است که **أَصْلَحَ اللَّهُ أَمْرَ وَلِيِّهِ فِي لَيْلَةٍ**^۲. خدا امر ولی اش را در یک شب محقق میکند. تمام وقایعی که قرار است محقق بشود، در یک شب. این را کجا امام صادق علیه السلام فرمود؟ در وقت بیان جریان حضرت موسی. حضرت موسی در آن شب مبتلا شد به گم کردن راه و اینکه سرما و اینکه زنش هم در روایت دارد حامله بود، گوسفندان هم در اثر رعد و برقی که حاصل ده سال زحمتش بود داشتند در بیابان پخش میشدند. آتشی هم همراه نداشتند. حساب کنید نیاز چقدر شدید میشود. نیاز موسی در اینجا به آتش بود. چند جهت در آتش بود. یکی اینکه سرما را مراقبت کنند. یکی اینکه محل تجمعی باشد. یکی اینکه وقتی از دور آتش را دید فهمید اینجا کسی است. **أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى**^۳. گم کرده بود راه را. هم وسیله گرم کننده بود، هم راه را پیدا میکرد. چقدر خوشحال میشود؟ همه چیز دارد از بین میرود، راه را هم گم کرده در سرما، یک وقت آتشی ببیند.

^۲ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۳، ص: ۴۲:

فَرَوَى عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَزْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو فَإِنَّ مُوسَى بَنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَاراً فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ وَهُوَ رَسُولُ نَبِيِّ فَأَصْلَحَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمْرَ عَبْدِهِ وَنَبِيِّهِ مُوسَى فِي لَيْلَةٍ وَكَذَا يُفَعَّلُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْقَائِمِ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأُمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يُصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ اللَّهُ أَمْرَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يُخْرِجُهُ مِنَ الْخَبْرَةِ وَ الْغَيْبَةِ إِلَى نُورِ الْفُرْجِ وَ الطُّهُورِ.

^۳ طه: ۱۰ إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى

این نیاز موسوی بود. رفت به سمت نیازش، خدای سبحان با نیازش بر او تجلی کرد. وقتی رفت، خطاب آمد **إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا،** یا **فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى**^۶. آوردمت جایی که مبعوث شدی به رسالت اولولعزم. اینجاست که مبعوث میشود. وقتی از مدین دارد برمیگردد به مصر، اینجا به نبوت مبعوث شد و جریاناتی که در مصر پیش آمد و نجات بنی اسرائیل و غرق فرعون. موسی چی میخواست و به او چی دادند. موسی دنبال آتش بود، به او آتشی دادند که جانش را آتش زدند. مبعوثش کردند.

مقام معظم رهبری در طرح کلی اندیشه اسلامی^۶ میفرمایند انبیاء با بعثت آتش میگرفتند. یک قلمبه انرژی میشدند. با اینکه قبلش پر انرژی بودند. یک گلوله انرژی میشدند. هیچی جلودارشان نبود. موسی علیه السلام اصلح الله در یک شب، از خواستن آتش و نجات زن و بچه و دربه دری، هنوز تحت تعقیب بود، به خاطر همین از بیراهه میرفت. یک دفعه خدای سبحان به گونه ای دستش را میگیرد که وقتی به مصر میرسد، **أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى**^۷. تو مبعوث شدی. تحت تعقیب نیستی. از حالا تو تعقیب کننده ای. او باید فرار کند از دست تو. یک شبه یک تغییر اینطوری ایجاد شد. بعد به فرعون خطاب میکند باید بنی اسرائیل را به من بدهی، کاری به کارشان نداشته باشی. گفتن اینطور نسبت به کسی که فرار کرده از پیش فرعون، بعد ده سال می آید، این توان را بهش بدهند، مبعوثش بکنند، این از چی نشات میگیرد؟ میشود وقایع بسیاری که باید مدتها بگذرد، موسی فراری را تبدیل کند به موسی تعقیب کننده، چقدر باید وقایع محقق بشود؟ این از علائمی است که ایامی است که زمان یک عنایت ویژه بهش است. رو به علائم آخر الزمان است.

لذا امام صادق در دنباله اش میفرماید اصلح الله امر ولیه فی لیلۃ. خدا امر ولیش را در یک شب محقق میکند. یعنی تمام آنچه قرار است اتفاق بیوفتد که شما فکر میکنید الان امام زمان بیاید با کدام لشکر؟ با کدام وسائل، هنوز محقق نشده است، یک شب میتواند آستان حوادثی باشد که تمام این ها درش محقق بشود، پشت سر هم محقق بشود و به نتیجه هم برسد.

زمان کشش دارد که این همه وقایع درش اتفاق بیوفتد. آنجایی که گاهی یک واقعه یک سال دو سال صد سال طول میکشید محقق بشود، گاهی در یک ساعت، نیم ساعت محقق میشود. این بستگی دارد زمان آن وقایعی که درش محقق میشود، به ظرف انسانی که در این زمان واقع شده است. شدت وقایع تحققشان در زمان برمیگردد نه به خود زمان، برمیگردد به انسانی که در این زمان واقع شده است. اگر جانی که در این زمان واقع شده است کشش این را داشت، سرعت وقایع سریع میشود. ظهور نزدیک میشود.

تحلیل وقایع اخیر؛ بسیار مهم

این را به عنوان یک مقدمه عرض کردم. عرض ما این است که بالاخره الان حدود ۴۱ سال است که از انقلاب اسلامی ما گذشته است. کسانی که تا به حال شاهد این وقایع ۴۱ ساله و قبل از آن بودند، میدانند که زمان چقدر متفاوت بوده است گذرانش. بعضی از دوره ها سرعت طی زمان هی سرعت میگرفت و آرام میشد. آن دفعه هم عرض کردیم. در دوره پیروزی انقلاب، سرعت حرکت زمان خیلی وقایع درش زیاد بود. تقریباً همه جا ماندند. تابع وجود امام بود آن سرعت. کسی به گرد امام نمیرسید. همه جا ماندند. همه خواص آن زمان جا ماندند. یک شبه دو شبه قدرت پوشالی ریخت، حاکمیت اسلامی به پا شد. کسی آمادگی نداشت. مدتی طول کشید تا خودشان را پیدا کنند که چی شده است. یافتن اینکه شاه ساقط شد یک حقیقت بود. اینکه حکومت اسلامی به پا شد... گاهی یک دوران برزخ طولانی است که یکی برود و یکی دیگر بیاید.

امام هم خیلی در سرعت دادن عجیب بود. امام در همان اوایل دستور انتخابات و قانون اساسی و ... امام سرعتی میداد که اگر کسی تاریخ انقلاب ها را بخواند، همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند، میبیند خیلی عجیب است. چطور همه اینها محقق شده است. مجلس موسسان شکل گرفت، این ها قانون اساسی را تصویب کردند، مردم آمدند قانون اساسی را رای دادند. ۷۵ روز مجلس

^۴ طه : ۱۴ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَأَعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

^۵ طه : ۱۲ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

^۶ طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن/بخش سوم: نبوت/جلسه پانزدهم: بعثت در نبوت/ص ۳۳۷ و ۳۳۸.

^۷ طه : ۲۴ أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى

النزاعات : ۱۷ أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى

موسسان بود. بعد قانون اساسی تصویب شد. تبدیل یک حکومت به یک حکومت دیگر، آن هم قانونمند، یکبار فقط چند بندش ترمیم شده است، این سرعت در وقایع است. ۱۱ و ۱۲ آذر ۵۸ قانون اساسی تصویب شد.

جریانی که امروز دارد اتفاق می افتد، این چند وقت، از جریانات آذر ماه تا دی ماه، به خصوص دی ماه، سرعت وقایع ... من فقط یک دوره کوتاه بکنم، یک تحلیل الهی میخوام بکنم. خدای سبحان چه ظرفیتی دارد ایجاد میکند.

در لبنان و عراق تمام محور مقاومت که شکل گرفته بود، ایران و عراق و سوریه و لبنان، دوتا از محورهای اساسی این مورد هجمه استکباری قرار گرفتند. به طوری که در عراق شرایط به شدت علیه ایران شعارها پخش میشد، هر چند محدود بودند، اما از جهت گفتمانی غلبه پیدا کردند. در لبنان هم ریختند به هم. هر دو دولتی که گفتمان غالب برشان طرفدار ما بود، هر دو به هم ریخت. بعد این کشیده شد به خود ایران. در آبان ماه. هر چند در ایران به خاطر مسائلی که پیش آمد دشمن نتوانست ... سرعتی که در اینجا ۴۸ ساعت یا ۷۲ ساعت طول کشید، خنثی شد، فکر میکنید این سرعت ساده بود؟ یک طراحی کلان در ۷۲ ساعت خنثی شد. به نحوی که اثرش نماند. رای و نگاه مردم برگشت. این از همان سرعت سیرها بود. آنقدر سریع بود... در سال ۸۸ نزدیک ۸ ماه طول کشید. در سال ۹۶ حدوداً دو ماه طول کشید. در سال ۹۸ سه روز طول کشید. فکر نکنید اینها ساده است. اینها رشد تحمل مومنینی است که خدا دارد بالغشان میکند. با این کار داریم. دارد بالغ میشود. با اینکه دشمن توطئه اش را شدیدتر کرد در هر مرحله ای، توطئه سال ۹۸ اشد از ۸۸ بود. اما فرصت بروز هم درست پیدا نکرد. تا بارز شد و آشکار شد خفه شد. این از چی نشأت میگیرد؟ یعنی خدای سبحان یک اراده عظیمی را کرده است. ببینیم چه خبر است دور و برمان. ما داخلش واقع شدیم داریم میرویم نمیفهمیم با چه سرعتی دارد میروند هواپیما. نشستیم ایم و احساس آرامش میکنیم. ما داریم با یک سرعت ما فوق صوتی حرکت میکنیم، ولی چون درونش هستیم ادراک نمیکنیم.

در جریان ایران که پیش آمد، توطئه که خنثی شد، بعد جریان گروه های حشد الشعبی پیش آمد که بمباران کردند. در مرز سوریه و عراق. مسیر ایران تا لبنان از آنجا میگذرد. آمریکا آنجا پایگاهی داشت، میخواستند دوباره تصرف کنند. ۳۰ تا شهید دادند حشد الشعبی. اثرش این شد که جریان عراق که علیه ما و حشد الشعبی شده بود برگشت. به طوری که در بغداد تظاهرات شد، در تشییع جنازه رفتند سمت سفارت آمریکا. در قسمتی هم وارد شدند و آتش زدند. بعد مرجعیت و دولت بعد دو سه روز که آنجا بودند، از اینها خواستند ترک کردند.

بعد از این جریان اولین تعرض به آمریکا که تا به حال سابقه نداشت، آن هم در عراق که قواعد تحت سلطه داشتند که آمریکا آنجا حضور نظامی رسمی دارد، اما جریان انتقامش را چی قرار دادند؟ ترور سردار سلیمانی قرار دادند. گفتند این نقشه سردار سلیمانی بود که بمباران حشد الشعبی را تبدیل بکند به جریان سفارت، تقاضای مردمی شد. تمام آن جریان سابق تبدیل شد به علیه آمریکا. تمام آن ذخیره کاری که کرده بودند در رابطه با فرهنگ سازی و دیپلماسی عمومی در عراق به هم ریخت. کسانی که مثل مقتدی صدر میگفتند ما در خیابان میمانیم تا دولت ساقط بشود همه علیه آمریکا شدند و متحد کردند خودشان را علیه آمریکا. این خیلی سخت شد برایشان. دیدند که اتحاد مردم به هم ریخته است، یک ضربه بزنند، بسیج مردمی برود به محاق. برعکس شد. مورد استقبال مردم قرار گرفت. چون مردم روحیه مقابله با آمریکا شان گل کرد.

ببینید خدای سبحان چقدر واقعه که هرکدام از اینها ممکن بود چند سال طول بکشید، اینکه بسیج عراق را بزنند سابقه داشت. چند ماه پیش چند انبار مهمات حشد الشعبی را زدند و کشته هم دادند، اما خبری نشد. اما این جریان چون آمریکا پر رو شده بود، به عهده گرفت، گفت ما زدیم. قبلی ها را هم زده بودند اما نگفتند.

بعد برای اینکه انتقام خودش را بگیرد، یک واقعه دیگر عظیمی که بیست سال عقده در گلو اینها بود، خار در گلو و چشمشان بود. نمیدانستند چکار بکنند. میدانستند اگر کاری بکنند عکس العمل منفی اش آنقدر زیاد است که جرات نمیکنند. اینکه میتوانستند یا نه بحث دوم است. خودشان گفتند بارها میتوانستیم. اما جراتش را نداشتیم. در بیست سال جراتش را نداشتند. در دورانی که قوی تر بودند جرات نداشتند. ترور سردار شهید ما را انجام میدهد. یک دفعه یک ورق عظیمی از تاریخ ورق میخورد. نه تاریخ ایران، تاریخ عراق، یک ورقی از تاریخ بشریت ورق میخورد. بعد از این جریان ملت عراق که آنطور منقلب میشوند نسبت به سردار سلیمانی، ایران اینطور،

کشورهای دیگر هم همه بیسابقه، فلسطین میگوید این سردار ماست، سوریه میگوید این سردار ماست، عراق میگوید سردار ماست، کشمیر، افغانستان، هر جا مظلومی هست، میگویند سردار ماست. بی سابقه است که یک نفر نظامی کشورهای مختلف... یک وقت یک رهبر دینی است، میگویند این رهبر دینی است، رهبر دینی ممکن است در کشورهای مختلف تابع داشته باشد، اما یک رهبر نظامی که تابعیتی دارد که معلوم است، با این حال کشورهای مختلف همه سبقت بگیرند که این از ماست. با اینکه ایرانی است، نگوید ایرانی است، این دست ما را هم پر کرده است، اینکه یک جریان... بعد در مقابل این چی علم بشود؟ پرچم دشمنی آمریکا بر افراشته تر بشود در جهان. حتی به طوری که برای اولین بار درون کشور آمریکا، به هر دلیلی، هر چند انتخاباتشان بهانه است، این ها بهانه های خداست، دو طرف شروع بکنند به محکوم کردن اینکه چرا یک نیروی نظامی کشور متخاصم را زدی. خودشان اشکال کنند به خودشان و مصاحبه بکنند و تحلیل بکنند. اغلب محکوم کنند. اینها بی سابقه است. نمیخواستند بگذارند جریان ایران در بوغ و کرنا بیاید. در حالی که محبوبیت بین المللی پیدا شده. مظلومیت بین المللی پیدا شده.

برای اولین بار کشورهای متخاصمان به ما حق دادند که تقاص کنیم. کشورهای متخاصم پیغام دادند که انتقام نگیرید. به عنوان نهی نبود، به عنوان تقاضا بود. میگفتند شما کوتاه بیایید. این غیر از جایی است که میگویند حق ندارید. هیچ لسانی به عنوان حق ندارید نبود. همه پیغام دادند و واسطه شدند که ایران کوتاه بیاید. نه اینکه چرا میخواهی بکنی.

این ها خیلی عظیم است. اینکه جریان بعد از شهادت سردار شهید ما، ایمان مردم چقدر عظمت پیدا کرد و اتحاد پیدا کرد، توحید ایمانی ایجاد شد، بین کشور ما، بین کشور ما و عراق، کشورهای مختلف این الّا و لا بدّ یک حقیقت الهی است و غیر از این امکان ندارد. و الا به هر دلیلی بهش نگاه نکنید، با اوضاعی که در سراسر جهان هست، بی تفاوتی ها، بی خیالی ها، اصلا هر کسی دنبال کار خودش است، کجا چنین تظاهراتی راه می اندازند، شور و... برای کشور خودشان این کار را نمی کنند.

این جریان، یک جریان بی نظیر است. بگردید ببینید کجا سردار نظامی از یک کشور شهید شده، کشورهای دیگر برایش ختم گرفته اند. نداریم. من گفتم رهبر مذهبی می شود ولی رهبر نظامی نه. خود آمریکایی ها گفته بودند، یکی از ژنرال هایشان گفته بود فکر میکنید اگر یکی از ژنرال های ما کشته بشود، در خود آمریکا اینقدر استقبال میشود تا اینجور جهانی؟!

این جریان به اینجا که رسید، رسید به جریان تشییع جنازه و بعد چرخاندن در عراق و ایران، رحمت الهی بر این مردم و مومنین که اینطور یکپارچه و عظیم قدرت ایمان را نشان دادند و دشمن را خوار کردند. اگر دشمن امکان داشت برگردد به یک ماه قبل، یقین بدانید این کار را نمیکرد. ضربه ای که با شهادت خورد، بیشتر بود. یقین بدانید که اگر برگردد، این کار را تکرار نمیکردند. این نشان میدهد که خدای سبحان در جایی که رجل الهی حاکم است، هر تهدیدی را تبدیل به فرصت میکند. از جمله همین فرصتی که ایجاد شد.

بعد برای اینکه این مرتبه یک مرتبه عالی تری از نشات بگیرد و یک رشد بالاتری از او شکل بگیرد، جریان انتقام سخت پیش آمد. آن انتقام هم باید جای خودش در جلسه ای صحبت بشود.

بعد از اینکه ما تهدید کردیم یک ابر قدرت را که تو یواشکی میروی ما یک ماشین را میزنیم، ما علنی قرار است بیاییم پایگاهت را بزنیم. آن هم با تمام قوا برای اینکه اگر عقب نشینی بکند فقط از ایران عقب نشینی نکرده است، ما تحدی کردیم. آمریکا تحدی نکرد. مثل قرآن که تحدی میکنند که نمیتوانید یک سوره بیاورید. حضرت هود تحدی میکند که **فَکَیْدُونِی جَمِیْعاً ثُمَّ لَا تُنظِرُون**^۸، به من مهلت هم ندهید. تمام توانتان را بیاورید. اگر توانستید در مقابل من. یک نبی الهی اینطور تحدی میکند.

ما تحدی کردیم با آمریکا، گفتیم میخواهیم بزنیم. این گفتیم، همه میگویند زنید، خطرناک است، این دم شیر است به بازی نگیر، مگر شوخی دارد. آمریکاست. هفتاد هشتاد سال است کسی پا روی دمش نگذاشته است. از این طرف هم نفاق داخلی، ترسیدن، رنگ ها را باختن، وا دادند، پشت پرده راپورت بعد راپورت که یکجوری حل کنند مسئله را. هر خبری میگرفتند به آنور میرساندند بلکه یک مقدار تخفیف پیدا کند. مثل جریان پیغمبر که میخواستند جنگ بروند، طرف بلافاصله پیغام فرستاد از بین مسلمان ها، بعد لو رفت،

^۸ هود : ۵۵ مِنْ دُونِهِ فَکَیْدُونِی جَمِیْعاً ثُمَّ لَا تُنظِرُون

ازش پرسیدند تو چرا لو دادی؟ گفت میترسیدم که مسلمانان شکست بخورند، بعد قتل عام بشویم. واداده و ترسو اینجوری است! نمیدانست که با این خبر آنها تجهیز بیشتر میکنند، بیشتر میکنند. واداده های ما هم همینطورند.

با این حال ایران پایگاه عین الاسد آن ها را که چشم اینها بود، گفتند اردن و ایران و عراق و سوریه را از اینجا رصد میکردند از جهت پایش خبرها و حرکت ها و نیروها. کنترلشان از اینجا بود. از جهت پدافندی و جنگ الکترونیکی قوی ترین بود. ایران هم چشم شیر را گذاشت. زدن پهپاد زدن پیشانی جالوت بود. این دفعه هم زدند در چشم شیر.

اول خواستند در چشم مومنین، بلافاصله تشکیک انداختند در دل مومنین. دشمن نقشه های جدی میکشد برای این ها. که این یک مصالحه ای بود بین ایران و آمریکا. یک تعاملی بود. یک جای خالی را بزیند تا دل شما خنک بشود، این همه حرف زدید، بعد چیزی نشود. تو دل خیلی ها را خالی کردند. این چه سیلی ای بود. آمریکا میگوید یک نفر هم زخمی نشد. در این جریان توانستند تا دو سه روز تشکیک ایجاد کنند.

اما یک کار جدی دیگری که خدای سبحان ذخیره کرده بود. هر کدام از این ها در دو سال و سه سال کفایت میکرد امتی را مشغول کند. تک تک این ها پشت سر هم ساعت به ساعت می آید. جریان ساقط شدن هواپیمای اوکراینی محقق شد که حقیقت عجیبی بود. اگر خطای اپراتور باشد، عیبی ندارد، اما اگر حرف هایی میزنند که حرف علمی اش جدی است، اگر این هم باشد که خیلی عجیب است. یعنی آمریکا با اینکه ما در جریان پایگاه عین الاسد جنگ الکترونیکی کردیم، قدرت مقاومت اینها مختل شد، چون سیستم پاتریوت دارند، سیستم منحرف کننده هم دارند، میتوانند مسیر موشک را منحرف کنند، اما حتی یک تیر از این پایگاه به سمت موشک های ما شلیک نشد. این جنگ الکترونیکی که ایجاد شد، غلبه فوق غلبه بود. بعد حتی همانجوری که سردار سلامی هم توضیح دادند، تمام هواپیماهای اینها، پهپادهای اینها روی هوا... دوازده تا فقط روی همین پایگاه بودند، ما آنها را هم تحت کنترل در آوردیم و نشاندهیم، این خیلی عجیب است. زنده اینها داشتند اخبار را برای مسئولینشان پخش بکنند، چشم آن ها را در آوردند. این کارشان از زدن خود پایگاه مهمتر بود. آن هم می دانید با موشک بالستیک زدیم. از جو خارج میشود، دوباره وارد جو میشود. وقتی موشک از جو خارج شد، دیگر مسیری که میخواهد ببیماید، دیگر خیلی مهم نیست چقدر است. کسی که موشک بالستیک میآورد، قدرت به دست آوردن موشک بالاتر مشکل نیست. چون از جهت فیزیکی بالای جو انرژی زیادی نمیخواهد برای حرکت. سوخت جامد در فضای کم... انفجاری که شد که شهید تهرانی مقدم شهید شد، سوخت جامد را آزمایش میکردند.

زدن موشک بالستیک به نقطه دقیق، این قدرت که نقطه زن بشود، بتواند تشخیص بدهد، کنترل شونده باشد، این از کارهای عجیب و حرکت در نقطه اوج موشکی است که خود خارجی ها گفتند این از سیستم های فوق سری و محرمانه است که دسترسی ایران نشان داد، این ها را دارد و یک تهدید های جدی را خود به خود خاموش کرد. حالا دارند خودشان، یکی یکی میگویند که تمام سیستم های حساس آنجا را از بین بردند.

روح مسئله ما چی بود؟ خدای سبحان دارد حرکتی را ایجاد میکند. با زدن این موشک ها یک شور و شعف ایمانی دیگر ایجاد شد. اما خدای سبحان قرارش این نیست که امر ساده باشد. ابتلائات برای مومنین باید لحظه به لحظه سخت تر بشود. مطابق ایمانشان. هرچقدر ایمان بالا می آید، ابتلا سنگین تر میشود.

جریان هواپیمای اوکراینی از سنگین ترین وقایعی بود که... اگر بحث جنگ سایبری باشد، از سنگین ترین ذخایری بود که آمریکا نگه داشته بود برای سخت ترین وقایع. شما فکر کنید اگر این هواپیما هواپیمایی بود که رئیس جمهور درش بود و توسط سپاه اشتباهها ساقط شده بود، فکر می کنید کشور چی می شد؟! دیگر امکان کنترل مملکت نبود. فرض کنید رهبری درش بود. چی میشد؟ سپاه هم محو میشد. تصور کنید، اینها نکته های مهمی است.

جریان انفجاری که در نخست وزیری زمان شهید رجایی شد، کشمیری اول برد بیت امام. از همان روز از دفتر گفتند کیف همه را باید بگردید. حتی شهید رجایی. کشمیری همراه شهید رجایی میرفت، کشمیری به شهید رجایی میگوید اسناد درش هست. شهید رجایی میگوید نمیشود. میگویند نمیشود. اگر بخواهد برد تویش را باید ببینیم. صندوق امانات داریم. بعد که نشد، در جریان نخست وزیری انجام دادند.

اینها که احتمالش هم کم نیست که این جریان را برای یک روز مبادای سنگین ذخیره کرده بودند که میشد. حب بالاخره آقا با هواپیما می‌رود، مخفی هم نیست آنچنان هیچ کسی نفهمد. رئیس جمهور هم با هواپیما می‌رود. این برای اینکه جنگ و خونریزی در کشور راه بیوفتد، کافی بود. اما مجبور شدند یک جریانی را به کار بگیرند، کی؟ در وقتی که ما در اوج بودیم. چون این اوج خیلی علیه شان، شکننده شده بود. یک توطئه را انداختند جلو، همانطور که در آن ماه مجبور شدند بیندازند جلو، در قضیه بنزین، در این جریان هم انداختند جلو. این ها برای انتخابات خیلی نقشه داشتند. الان شورای نگهبان گفته ۹۲ تا از نمایندگان فعلی فاسدند. کم نیست. این جریان را ذخیره کرده بودند به ضمیمه جریان انتخابات که قرار بود جریان رد صلاحیت ها خودش یک جو عظیمی ایجاد بکند. اصلا الان خبری نیست. یک سر و صدای مطبوعاتی... انگار نه انگار که اینها کله گنده ها از دو طرف... از اصول گراها هم هستند در اینها. ممکن است عده ای هم اشتباه شده باشد و درست بشود.

این جریانی که این هواپیما را با این سیستم که جدی دارد میشود مسئله اش، خود آمریکایی ها هم لو دادند، دو روزنامه آمریکایی لو دادند، بعد سفر امیر قطر هم دامن زد که این کار از پایگاه العدید قطر انجام شده و ایران هم فهمیده و امیرش بعد ۴۰ سال آمده، واسطه گری بکنند و مسئله را حل و فصل کنند. در شایعه هست که حاضر شدند سه میلیارد دلار غرامت بدهند.

یک هواپیما در حالت عادی ساقط میشد، کفایت میکرد یک بلبشویی درش ایجاد بشود. اینها با این جریان میتوانسند چند ماه همه را مشغول بکنند. اما جریان به طوری میشود که یک شب فقط طول میکشد شورش اینها، دیروز هم خیلی چیز مهمی نبود. عجله ای که میکنند، این هم عنایت الهی است، سفیر انگلیس می‌رود آنجا و بیچاره آبرویش هم آنجا رفت! نجاشی را که روز اول ماه رمضان گرفتند، نجاشی شاعر امیر المومنین بود، خیلی ولایی بود، یکی گولش زد و خلاصه شراب خوردند و در خانه شان بودند ولی صدای عروده شان بیرون آمد، امیر مومنان ماموران را فرستاد که بروید بگیریدشان. گرفتند نجاشی را صد تا تازیانه زدند، ۸۰ تا به خاطر حد شراب، ۲۰ تا به خاطر ماه رمضان، شاعر هم بود، مثل سلبریتی های الان، حالا فرض کنید یک سلبریتی الان خودش رو خراب کند! بچه ها برایش شعر درست کردند، همین جریان را. شد یک چیزی که این یک شب دو شب ماند، یکی از هم قبیله ای هایش آمد گفت دیگر چرا بمانیم، آبرویی برای ما نمانده است. دو روز بعدش هم پناهنده شدند به معاویه. عمرو عاص گفت اینها را تحویل بگیر. نجاشی مهم است، زبان سرخ علی بوده است. هجوهای نجاشی نسبت به معاویه، زبانزد مردم بود، در شام هم خوانده میشد. معاویه طعنی زد که دیدید علی چطور اجرتان را داد دستتان. طارق که گول زده بود نجاشی را به معاویه گفت ما از پیش علی آمدیم دلیل بر بدی علی نبود، دلیل بر بی طاقتی ما بود، ما تحمل عدل علی را نداریم. علی چون خیلی خوب بود ما تحملش را نداشتیم. چون تو بدی ما آمدیم پیش تو. معاویه هم خیلی عصبانی شد و خواست چیزی بگوید، عمرعاص گفت کاری نداشته باشد. بعد این خبر به امیر المومنین رسید و امیر مومنان علیه السلام فرمود اگر طارق را آنجا معاویه میکشت، شهید بود. فرار کردند از امیر المومنین و به معاویه پناهنده شدند اما یک جمله منصفانه گفت. بعضی نقل ها دارد که این ها مخفیانه برگشتند.

این گرفتن سفیر انگلستان ساده نیست. اصلا جریان یکدفعه زیر و رو شد، کانه الان هر کسی برود در آن لشگر، انگلیسی است. جریان سردار حاجی زاده یک کار عظیمی بود که محقق شد.

یک سرداری که دو روز قبل فرمانده موشک باران آمریکا است و در طول تاریخ یک کاری را رقم زده، دوزخ بعد عاجزانه و با یک حالت کاملاً منکسر، بگوید ما اشتباه کردیم، عذر میخواهیم، همه مسئولیتش به عهده ماست، هر حکمی هم بشود راضی هستیم، خیلی این حرف در تاریخ کشورها، سردارها، سیاسیون اینکار را نمیکند، چه برسد سرداری که پوزه آمریکا را به خاک بمالد. اینها وقایع زیادی است که یکی یکی اینها ممکن است در زمان زیادی محقق بشود و آثاری داشت. همه اش در یک موقعی محقق شده... از این خدا از ما کار میخواهد.

این جریان که مردم توانستند بعد از جریان موشکباران آمریکا یک واقعه عظیمی را که میتوانست مملکت را به هم بریزد یک شبه طی کردند، حل شدن یک شبه مسئله، با اینکه اول بهت زده شدند. بلافاصله خدای سبحان دل ها را برگرداندند. تدبیر الهی با آمادگی و قابلیت مردم است. هرچقدر واقعه ای قوی تر بخواهد شکل بگیرد، باید حتما آمادگی اش از قبل باشد. استعداد مردم در پذیرش امور الهی خیلی بالا رفته است. این ها بستر ساز ظهور است. توطئه های دشمن رسوا میشود به سرعت. آنها میفهمند چه خبر است.

آنها با یک صدم و یک هزارم هر کدام از اینها میتوانند کشوری را به هم بریزند. میبینند تمام تدابیرشان و خرج ها و عقل هایشان را میریزند روی هم، مشترکا انجام میدهند، بعد به سرعت رسوا میشود. این ها را ساده نگیرید. خیلی حال الهی مملکت عظیم است. جریان الهی در مملکت خیلی عظیم است. این سلطه الهی و تجلی الهی در مملکت بی نظیر است. بنده به عنوان کسی که شاهد از قبل از انقلاب بودم، جریانات انقلاب و جنگ و دوران اصلاحات و سازندگی و احمدی نژاد و فتنه ها و تقابل ها، دارم به شما عرض میکنم بی نظیر است سرعت حل این مسائل و سرعت فتنه های متکرر دشمن و حل اینها به سادگی. کأنه یک ریاضی دان قدری نشسته است بالاترین معماهای ریاضی که طرح میشود با یک نیش قلم حل میشود. با اینکه در نظر آنها هر کدام از اینها زمین زنده بوده که اگر این نشد، آن سناریو... رسوایی اش برای طرف مقابل پیش می آید. روز به روز طرف مقابل دارد عقب نشینی میکند.

این ابتلای بعد از یک عظمت بود که اگر غلبه برایتان پیش آمد، اگر توانستید حال ضد آمریکایی بودن و دشمن شناسی را در یک ابتلای شدید هم حفظ کنید، ببینید میتوانید این را هضم کنید، چون عمدی در کار نبوده اگر خطای انسانی باشد، اگر جریاناتی باشد که جنگ سایبری بوده است، نفر ما کار صحیحی کرده و اگر نمیزد خطا بود، آن خطا برای کسی بوده که آن کار را کرده است. سردار حاجی زاده میگوید این کروز دیده اما منتهی ممکن است خطا دیده که کروز دیده، اما او پالس کروز را برای این فرستاده است. اگر این باشد، این جریانی که پیش آمده است، هم اینکه مجبور شدند این را به سرعت به کار بگیرند، یکبار دیگر نزدیک به این کار را کرده بودند، سر و صدایش را خواباندند، هواپیمایی که شهید کاظمی ساقط شد، احتمال دادند که جنگ الکترونیکی بوده است. چندین سال پیش بوده است. در سال ۸۳ بود. در اوج جریان آن موقع بود. آن موقع سر و صدایش را خواباندند اما همانموقع مطرح شد که دستکاری در سیستم هدایت شونده هواپیما بوده است که باعث شد این هواپیما به زمین ساقط شد. منتظر وقایع الهی باشید. جان ها آماده است جریان انتخابات مجلس هم یکی از جریانات است. الان حيله جدیدی ندارند مگر اینکه دوباره به دست بیاورند. اما اگر مردم شاکر باشند، متضرع به درگاه الهی باشند...

-مکانیزم ماشه را فعال کردند...

بله، اما اثرش چی میشود؟ میشود مثل قبل از جریان برجام. همه این تحریم ها بود، قبلا کمتر از این بود، الان بیشتر شده است! ما الان با اروپا رابطه ای نداریم. با کشورهای اطراف رابطه داریم. چین گفته رابطه را حفظ میکنیم. مکانیزم ماشه یک تهدید پوشالی دیگر است. خودشان گفتند نمیخواهیم به اینجا بکشند. این برای ترساندن من و شما نیست. برای ترساندن بزدهاست. واقعا میترسند. اگر بعضی از این اخباری که داده شده است که فعلا دارند رویش کار میکنند که بعضی از داخلی ها چه وقتی میخواهند پایگاه را بزنند خبر را رسانده بودند، چه در اینکه سردار سلیمانی، از داخل گرا داده بودند که بزید الان وقتش است، اینها شایعاتی است که از نفاق درونی... احتمالش هست، نمیخواهیم الان باعث اختلاف بشود، حتی شایعه ای که وقت زدن یک هواپیما... بعضی شایعات خیلی قوی است. بعضی علائم صدق هم پیدا کرده است، اگر این باشد، نفاق درونی هم رسوا باشد، آشکار بشود، این هم از برکات ویژه اش میشود که پای نفاق بعد از ۴۰ سال رسوا بشود، چون ما از درون هنوز جا دارد که ضربه بخوریم. نفاق درونی.

هرچقدر خدای سبحان ما داریم نزدیک ظهور میشویم، باید رابطه مان با خدا بیشتر بشود وگرنه جزو ریزش ها می شویم. روایتی که میگوید صبح از خانه مومن میروند بیرون، شب کافر برمیگردند، یا شب مومن میخوابند، صبح کافر بلند میشوند، مصداقش را داریم می بینیم، یک دفعه یک مصاحبه ای پیش میاد و یک چیزی پیش میاد، آدم می گوید اگر انقلاب، این انقلاب است من نمی خواهم. از یک طرف یک جریان موشک باران می شود، عده زیادی از کشور های دیگر مومن می شوند، می گویند اگر این انقلاب است که می تواند جلوی آمریکا بایستد، ما این انقلابی هستیم. این همان است که یک واقعه یکدفعه دل هایی را جذب میکند، یک واقعه یکدفعه دل هایی را می ریزاند و ریزش هایی را ایجاد می کند. این تازه اولش است. هرچقدر به زمان ظهور نزدیکتر بشود، سرعت وقایع و حوادث خیلی شدیدتر میشود. یعنی گاهی در یک روز چندین واقعه رخ میدهد، چندین بار دل بالا و پایین میشود و اگر کسی آماده نباشد، ریزش می شود و جا می ماند. لذا داریم ما یک رزمایشی را برای نزدیک شدن به جریان ظهور طی میکنیم. ان شاء الله خدای سبحان

با این نگاه... اگر باور کنیم که این حقیقت تدبیر الهی است که دارد محقق میشود، آن موقع چقدر انسان در دستگاه الهی یک... دارد یک کشور را سوق میدهد. انسان چقدر حالش نسبت به خدای سبحان حالش منقلب میشود که غیر از تدبیر تکوینی، تحت تدبیر تشریعی خاص قرار گرفته است که هدایتگری را دارد...

آنوقت اگر انسان بداند که هر لحظه که اینجا نفس میکشیم جزء بی نظیر ترین لحظات تاریخ بشریت حساب میشود. چون تاریخ دارد ورق های عظیمی میخورد. هر کوتاهی ای فقط مربوط به کوتاهی این دوره و عصر نیست. ثمره چندین هزار سال عمر بشریت است، هم نتیجه حقیقتی است که میخواهد سراسر هستی را بیوشاند. هر بی تفاوتی ما و هر کم تحرکی ما تاخیر می اندازد در این حقیقت. هر پر انگیزگی ما و هر به جا بودن و در صحنه بودن ما، محکومات را به هیچ وجه از دست ندهیم. این کد را به عنوان یک سرلوحه اگر رجل الهی در مصدر کار است، همه تبدیل ها تبدیل به فرصت میشود. به شرطی که مردم پشت کار باشند، هیچ تهدیدی در مقابل رجل الهی زمانی که مردم پشت رهبر بایستند، هیچ تهدیدی کارگر نمی شود، این یقینی است، **لا تَخَفْ^۹، أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ^{۱۰}**. خدا پشتیبان ماست. این تکبر ما نیست. انتم الاعلون به عنوان اراده الهیه است که خدا قرار داده است که **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُبَدِّلْ أقدامكم^{۱۱}**.

اگر گاهی اشکال میکنیم به بنی اسرائیل که چطور با اینکه این همه معجزه دیدند، چطور باز گوساله پرست شدند، اگر امروز ما بی توجهی بکنیم، با این همه عظمی که از جانب خدا دیدیم که بی سابقه است اینطور پشت سر هم، که میخواهد ساقط کند، میشود احیا کنند. آن گفتمان سردار حاجی زاده که یکدفعه دل ها خالی شد در نگاه اولی، یکدفعه دل ها محکم بشود و دیدند این ارزش شد. کانه یک سردار سلیمانی زنده است. این ها کار ساده ای نیست. یک حرکت است. تمام توطئه دشمن را... یک حرکت با اخلاص میتواند... در این نگاه بی تفاوتی بی معنا میشود. امید آفرین میشود که خدای سبحان دارد اراده بعد اراده میکند. منتظر هستیم که در فتنه های بعدی ... نمیترسیم در ورودش، ولی به خدا پناه میبریم. چون اگر به خودمان واگذار بشویم جزء ساقطین و هالکین هستیم. اما با اتکاء به خدا و حرکت پشت رهبری، خدا ان شاء الله با این ناخدا، این کشتی را به سلامت به مقصد میرساند.



^۹ طه : ۶۸ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى

^{۱۰} آل عمران : ۱۳۹ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

محمد : ۳۵ فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْرِكُمْ أَعْمَالَكُمْ

^{۱۱} محمد : ۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُبَدِّلْ أقدامكم